

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه جلسه بیست و یکم تربیت جنسی

استاد نیلچی زاده

اگر فرزندم در معرض اطلاعات غلط یا هوشیار کننده جنسی قرار گرفت، چطور از او محافظت کنم؟

۱. پیشگیری مهم‌تر از درمان است.
۲. لازم است نسبت به اینکه فرزندمان چه می‌داند، چه می‌بیند و به چه حساس است، اشراف کامل داشته باشیم.
۳. زمینه‌هایی که بچه را در معرض آگاهی‌های اضافی قرار می‌دهد، شناسایی کنیم. سعی کنیم در معرض زمینه‌هایی که احتمال دارد آن‌ها را در معرض آگاهی‌های اضافی قرار دهد و این آگاهی‌ها احیاناً کنجکاوی‌های جنسی را تحریک کند، قرار نگیرند و اگر در معرض قرار گرفتند بتوانند به این اطلاعات اضافی نه بگویند یا بتوانند با ما وارد گفتگو و مشورت بشوند.
۴. انس، الفت، رفاقت، صمیمیت، صراحت و صداقت را در حیطة مامانی بودن برقرار کنیم تا فرزندم به راحتی بگوید: «مامان! دوستان من یک همچین موضوعی را می‌گویند... من چه چیزی باید بگویم؟! یا من اجازه دارم ماجرا را بدانم؟!»
۵. حیای پرسش و پاسخ را به فرزندان آموزش دهیم. لازم است بچه من بداند که باید بداند و دانایی در حقیقت عرصه اصلی زندگی ماست اما هر چیزی، هر زمانی، هر جایی، از هر کسی نه! این چهار شاخص خیلی مهم است.
۶. فرزندان را از ارتباط با افراد دارای فکر، نگاه و رفتار آلوده ایمن کنیم. به آن‌ها آموزش دهیم که با این افراد دوست نشوند. زیرا این افراد می‌توانند با اطلاعات اضافی، زودرس و غلط موجب هوشیاری جنسی فرزندان شوند و آن‌ها را در معرض خطر قرار دهند.

در رابطه با کودکان زیر ۷ سال، دوسوم مراقبت با ماست و یک سوم به عهدهٔ بچه است؛ چون هنوز به آن حد از بلوغ عاطفی و فکری نرسیده است. اما هرچه سن بچه بیشتر می‌شود، میزان مراقبت مستقیم ما کم می‌شود و باید به فرزندمان مهارت‌های خود مراقبتی را یاد بدهیم. یعنی مثلاً به او یاد بدهیم اگر کسی خواست عکس بدی به تو نشان دهد یا خواست بدنش را به تو نشان دهد یا خواست در مورد مسائلی که مربوط به موقعیت جنسی است با تو حرف بزند، تو بدان که این آدم با شیطان رفیق است. گوش و چشمت را بگیر، بگو من دوست ندارم این چیزها را بدانم. هرچه لازم باشد از مادرم می‌پرسم، مادرم به من می‌گوید. این‌ها را بگو و فرار کن. این‌ها را با کلمات و اصطلاحات مامانی تبیین کنید.

۷. با تمثیل‌هایی که برای بچه‌ها حالت چندان ایجاد می‌کند، آن‌ها را کمک کنید که بدانند این مسائل لزوماً چیزهای خوب و دور از دسترسی نیستند که مادر از بچه‌ها قایم کرده است. این‌ها چیزهایی است که آسیب رسان و اذیت‌کننده است.

پرسش و پاسخ

سؤال اول: وقتی کسی از دوستان یا اقوام یک‌باره در خصوص نحوهٔ جلوگیری، بارداری و خلوت زناشویی صحبت می‌کند، همان لحظه چه کار باید بکنم؟! دختران من ۱۴ و ۱۶ ساله هستند.

پاسخ: برای دختر ۱۴ و ۱۶ ساله آنچه خیلی مهم است تا بدانید:

۱_ اطلاعات پایهٔ بچه‌ها است.

۲_ افرادی که با آن‌ها در حالت تعامل و معاشرت هستند.

بر اساس این دو مؤلفه این اقدامات را انجام می‌دهیم:

- آگاهی‌های فرزندانمان را زیاد کنیم.

- تولیدمثل گیاهان، پرندگان و آبزیان را توضیح دهیم. چرا؟ چون شبیه‌سازی در انسان نداریم؛ یعنی مثلاً در رابطه با گاو، گوسفند و چهارپایان توضیح نمی‌دهیم. چون در ذهن بچه و در دنیای

خیالش آن‌ها با انسان شبیه‌سازی می‌شود. می‌گوییم خانم و آقای که با همدیگر ازدواج کردند، می‌خواهند مادر و پدر بشوند. عنصر اصلی که موجب می‌شود خدا به آنها بچه دهد، صمیمیت زیاد آن‌ها است. با این کلیدواژه، رفتارهای جنسی را هم به نوعی زیر همین عنوان برای بچه‌ها توضیح می‌دهیم.

اگر کسی از افراد به خودش اجازه دهد در مقابل بچه‌ها یک مرتبه راجع به این مسائل حرف بزند، شما با یک عتابی بگویید که این مسائل مورد نیاز بچه‌های من نیست. از بچه‌ها دعوت کنید تا بیرون بروند؛ یعنی کاملاً یک واکنش خیلی سفت و محکم داشته باشید. بچه‌ها لازم است بدانند این آدم یک آدم وقیح یا یک آدم کثیف، مبتذل و نابهنجار است که می‌خواهد بچه‌ها را آلوده کند. آدم‌های بی‌حیا، چیزی برای از دست دادن ندارند. برای همین باید فاصله خودتان را با آن‌ها حفظ کنید.

سؤال دوم: دخترانم درباره‌ی علت تعدد زوجات ائمه سؤال دارند، به خصوص امام علی. مثلاً می‌پرسند چرا امام علی بعد از شهادت حضرت زهرا به ایشان وفادار نبوده و ازدواج کرده است؟ چرا بعد از حضرت زهرا چند همسر همزمان داشته است؟ چرا کلاً آقایان چند همسر دارند؟

پاسخ: دختران شما چند سالشان است که این سؤال را می‌کنند. مهم است که ما براساس سن عقلی، بلوغ عقلی و عاطفی‌شان جوابشان را عرض کنیم.

قطعاً این سؤال ابتدا به ساکن، به ذهن هیچ دختری نخواهد رسید مگر اینکه در خانواده‌ی شما و اطرافیانتان بحث تعدد زوجات مطرح شده باشد. قطعاً شخص شما به این موضوع دامن زدید؛ یعنی در رابطه با تعدد زوجات یک احساس آزرده‌گی و ناراحتی ابراز کردید و بچه‌ها آن را کاملاً علنی می‌کنند؛ یعنی قصه خود شما هستید و اصلاً بچه‌هایتان نیستند. جلوی بچه‌ها مراقب حرف‌زدن‌ها و قضاوت‌هایمان باشیم، چه این حرف‌ها در رابطه با یک فیلم باشد یا یک آدم. بچه‌هایمان می‌شنوند. ترکش‌های روحی در فکر و احساس ما در بچه‌هایمان به غده‌های بدخیم تبدیل می‌شود و این می‌تواند فرزندانمان را حتی در اصل دین‌داری دچار مشکلات اساسی بکند.

اصطلاح احمقانه زنانه این است که هر یک از زوجین بعد از وفات همسرش، نباید ازدواج کند و این عین حماقت است و اوج ظلم و بی‌محبتی و بی‌معرفتی به اصل زنده بودن است. گویی که انگار این آدم بخواهد خودش را زنده به گور بکند. اصلاً ربطی به جنسیت ندارد، در مورد مرد و زن هم مساوی است.

بحث وفاداری به حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها) نیست. حضرت بچه‌هایی کوچک دارند که باید سرپرستی شوند و به مادر احتیاج دارند؛ یعنی امام حسن، امام حسین، حضرت زینب و ام‌کلثوم. در عین اینکه خود پدر هم به عنوان یک انسان، نیازمند یک قرین و شریک آرام‌بخش است.

اینکه چرا حضرت امیر چند همسر داشتند، باید علت تعدد زوجات توضیح داده شود. برای توضیح علت تعدد زوجات کتاب شهید مطهری را بخوانید. در بحث تعدد زوجات، خانم‌ها مشکل عاطفی دارند، آقایان هم مشکلات مختلف خودشان را دارند. معمولاً کسی وارد تعدد زوجات نمی‌شود مگر اینکه یکی از این دو تیپ شخصیتی را دارد و حد وسط ندارد: یا جوانمرد است یا خیلی نامرد و اصلاً عدالت را رعایت نمی‌کنند. برای همین هم خدا روی مهم‌ترین چیزی که دست می‌گذارد، عدالت است که شرط اصلی تعدد زوجات است. اصلاً اصل تعدد زوجات به نفع بانوان است نه به نفع آقایان.

سؤال سوم: ۷ سال است که ازدواج کردیم، یک دختر ۵ ساله و یک پسر ۳ ساله دارم. همسرم نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد؛ ولی خیلی اهل اعتقادات نیست. بیشتر مشکلی که دارم این است که بچه‌ها بیشتر اطراف پدرشان هستند و او هم هر فیلمی را که بخواهد نگاه می‌کند و هرچه به او می‌گویم: «هر فیلمی برای بچه‌ها نگذار!» می‌گوید: «باشه!» ولی باز هم کار خودش را می‌کند. گاهی اوقات فیلم‌های خوبی نیستند. مسئله دیگر اینکه بچه‌ها با هم کشتی می‌گیرند. آیا در این سن اشکال دارد یا نه؟! و سؤال دیگر اینکه پسر را تازه از پوشک گرفتم، بیشتر وقت‌ها دست به خودش می‌زند، با او چکار کنم؟

پاسخ: دربارهٔ دختر ۵ ساله و پسر ۳ ساله خیلی مهم است که ساعت خوابشان را تدبیر کنید. خواب در روز ممنوع است. استفاده کردن از انواع چیزهایی که برای بچه‌ها بی‌خوابی می‌آورد مثل ویتامین‌ها یا انواع کافئین‌ها از ساعت ۴-۵ بعدازظهر تقریباً ممنوع است؛ یعنی شما اصلاً اجازه ندهید و باید مدیریت کنید؛ نه اینکه به آنها بگویید ممنوع است.

تلاش و تکاپوی جسمی بچه‌ها طوری باشد که انرژی‌شان کاملاً تخلیه شود. چه در فضای باز و چه در منزل تا بتوانند شب سر ساعت بخوابند. اصلاح ساعت خواب و بیداری بچه‌ها یکی از مهمترین چیزهایی است و عامل تعادل در رابطهٔ شما و همسرتان است. دیدن این فیلم‌ها، برطرف شدن بخشی از آن نیازها و نوعی اعتراض به نابسامانی روابط حریم خودتان دونفر است.

نکته: پیام‌های غیر مستقیم زوجینی و جنسی را حتماً دریافت کنید و نسبت به آن دقت کنید.

درمورد کشتی همان‌طور که به آنها یاد می‌دهید تا در صورت و دهان همدیگر نزنند، مشت نزنند یا اینکه اشیاء تیز و برنده را دست نزنند، به همان شکل یاد بدهید چگونه باید کشتی‌های کودکانه بگیرند یعنی بدون تحریک جنسی و آسیب. مثلاً می‌توانید برایشان یک عدد تشکچه یا یک تشک کوچک مناسب پهن کنید. هر موقع داشتند کشتی می‌گرفتند بگویید: «بدوید! بدوید! روی تشک کشتی بگیریم.» تا اینکه دختر شما یکسال دیگر، که یک کمی بزرگتر بشود. آرام آرام به او بگویید که چرا کشتی بگیریم؟! ما می‌توانیم گرگم به هوا یا وسطی یا نان ببر کباب بیار بازی کنیم و... .

دربارهٔ فرزندتان که تازه از پوشک گرفتید، باید گفت که اگر به خودش دست می‌زند، طبیعی است. به علت اینکه حالت فشردگی در پوشک رفع شده و جلب توجه می‌کند. از روش سرگرم کردن، تغییر موقعیت و یاد دادن هوشمندانه اما کودکانه استفاده کنید. به او بفهمانید که این کار بد است مثلاً با گاز گرفتن گوشهٔ لب و زدن دوتا ضربهٔ آهسته پشت دست خودتان و گفتن: «آخ آخ! آدم دست به خودش نمی‌زند! بدو برویم یه خوراکی بخوریم. بدو برویم یه بازی بکنیم.» همچنین دست‌ورزی‌های مستمر با خمیربازی و با گل رس نیز مفید است. به این صورت نیازهای حس سطح تماس را به صورت طبیعی با غیر از بدن خودش برطرف می‌کند.

سؤال چهارم: لباس و حجاب دختر نزد پدر و برادر کوچکتر چگونه باید باشد؟ دخترم ۸ ساله است و خیلی دوست دارد در خانه با لباس آستین حلقه ای و شلوار کوتاه بالای زانو باشد. اشکالی ندارد؟ لباس عوض کردن خواهر و برادر کوچکتر پیش هم چطور؟ برادرش ۴ ساله است.

پاسخ: اگر دختر و پسر ۸ ساله و ۴ ساله جلوی هم لباس عوض کنند فاجعه است؛ چون بچه‌ها قبل از این که پخته شوند، می‌سوزند، هوشیاری جنسی به دست می‌آورند و کنجکاوی‌های جنسی می‌تواند فوق العاده آسیب رسان باشد. با یک آگاهی اما بدون تنش به دخترتان بگویید: «نه دیگر تو خانم شدی! بیا داخل این اتاق. یواش مثل مامان، برو پشت پرده. برو در حمام» یک مکان مستوری را برای تعویض لباس‌هایش قرار دهید. به برادر هم همین را می‌گویید: «تو دیگر آقا شدی! تو هم بیا اینجا یواش من لباست را عوض کنم.»

در مورد علاقه به لباس آستین حلقه‌ای و شلوار کوتاه بالای زانو باید ببینیم الگویی که چه کسی است. اگر الگویی شما هستید این را به او یاد بدهید که تا وقتی که بابا یا عموجان یا بابایی، (مردهای محرمی که در تعامل هستند) نیامده‌اند، عیبی ندارد؛ اما من که مامان هستم می‌خواهم یک لباس دیگر بپوشم. از روش رقابت‌های مثبت استفاده می‌کنیم. وای من می‌خواهم یک دامن چین دار بلند بپوشم، خوشگل! کاملاً با رفتارسازی کودکانه و بازی درمانی نشان می‌دهم که می‌شود لباس‌های پوشیده، خوشگل خانمانه پوشید و از این طریق این فضا را فراهم کرد که بچه شما بتواند الگوهای دیگر هم داشته باشد. احتمالاً خود شما آستین حلقه‌ای و شلوار کوتاه می‌پوشید. این بچه هم هوس کرده است که مثل شما باشد. دوستان هرچه خودمان را اصلاح کنیم، راه برای بچه‌ها بهتر باز می‌شود.

سؤال پنجم: دختر ۴ ساله دارم که وقتی شهرستان می‌رویم چند روز خانه مادرشوهرم هستیم. پسر عمه‌اش ۶ ساله است. دخترم خیلی زیاد پسر عمه را دوست دارد و تمام مدت همراهش است و با او بازی می‌کند. موقع خواب ظهر که می‌شود تا پسر عمه اش می‌گوید: «بیا!» لج می‌کند که می‌خواهم پیش او بخوابم. وقتی پیش هم هستند بعضی اوقات همدیگر را بغل می‌کنند و باهم

روی یک بالشت دراز می‌کشند. مخالفت من و همسرم اثر ندارد و خیلی اصرار می‌کنند. خانواده همسرم می‌گویند: «عیبی ندارد.» بعد که پیش او می‌رود من هم پیش دخترم دراز می‌کشم و مدام او را بغل می‌کنم و می‌بوسم. تا می‌خواهند به هم بچسبند او را سمت خودم می‌کشم. گاهی هم با جدیت می‌گویم: «نه جفت هم نشوید.» نمی‌خواهم و چهار چشمی مواظبشان هستم. لطفاً بفرمایید حد و حدود باهم بودنشان چقدر باید باشد و چگونه یادش بدهم که حساس و حریص‌تر نشود و نتیجه عکس ندهد و در عین حال حرف گوش کند؟! با خانواده شوهرم چگونه رفتار کنم که متوجه شوند این‌ها خواهر و برادر نیستند و مدام نگویند: «با هم باشند و بازی کنن.» نکته دیگر اینکه خانواده همسرم مذهبی هستند و می‌گویند: «روسی سرش کند.» فکر می‌کنند این دو بچه هستند و ذوق می‌کنند باهم باشند.

سؤال آخرم درباره رفتن به خانه عمه‌اش است که از کوچکی دوست داشت وقتی به آنجا می‌رود شب حتی برای خوابیدن آنجا بماند و همیشه عمه‌اش هم می‌گفت: «می‌خواهم ببرمش» ولی من از همان نوزادی می‌گفتم: «نه عادت می‌کند.» نمی‌گذاشتم و کم‌کم آن‌ها هم عادت کردند و اصرار نمی‌کنند.

پاسخ: از حالا که شما حریف بچه ۴ ساله نیستید، اگر فرزند شما ۱۴ ساله بشود می‌خواهید چکار کنید؟! من خواهش می‌کنم توان‌ها و قدرتهای مادریتان را بیشتر کنید. یک مقدار مامان‌تر بشوید.

اگر قرار است ۴ تا ۵ روز در شهرستان باشید، هماهنگ کنید تا همدیگر را در محیط‌های مناسبی بیرون از خانه، از داخل حیاط گرفته تا امامزاده و باغ و گردشگاه مناسب، ببینید. هرروز یک برنامه پرهیجان جدی با جمع خانم‌ها داشته باشید.

قبل از رفتن به شهرستان، فعالیت‌های خانمانه را در خانه، اینقدر جدی کنید تا نقش‌پذیری رفتارهای دخترانه در او قوی بشود؛ یعنی اصطلاحاً یک خانم کوچیک بشود؛ مثل مهارت‌های سفره آرایی به اندازه کودکی‌اش، درست کردن سالاد و چیدن میوه داخل ظرف. همان کارهایی که بچه

در این سن دوست دارد انجام دهد. در شهرستان هم سرش را خوب گرم کنید. در عین حال در پشت صحنه، بدون اینکه خانواده همسر و بچه شما بفهمند، کاملاً همسران را هشیار کنید بدون اعصاب خردی و ناراحتی تا فکر نکند عیبی از طرف خانواده اش وجود دارد.

در دوره ما بچه های کوچک نسبت به مسائل جنسی هوشیاری های خیلی زیادی دارند و در دسترس بودن این اطلاعات متأسفانه مثل لجنی که در یک سیلاب است همه جا رسیده و در دسترس همه است. لازم است همسر شما یک دقت خوب مناسب داشته باشد و او بگوید نه. اگر آنها آگاهی های لازم را ندارند، نیازی نیست تبیین کنید. همسر شما این مساله را به عنوان یک میل شخصی بیان کند. در قالب دوست دارم... دوست ندارم... بگویید نه، پدرش دوست ندارد. پدر پای قصه بایستد.

سعی کنید در روابط خانمانه با عمه و مادر بزرگ آن آدم مظلوم مقتدر باشید. محبت خودتان را بیشتر ابراز کنید. این محبت را مصرف و خرج کنید تا آن ها فکر نکنند که چون شما در یک شهر بزرگتر زندگی می کنید، خودت را برتر می دانی یا اینکه چون خودت را بالاتر می دانی اجازه نمی دهی فرزندت با آنها بازی کند. این حس احساس تحقیرشدگی احساس بدی است که امکان دارد افراد را در معرض رفتارهای غلط قرار دهد.

در فضای کودکان فرزندتان وقتی که با خودتان و در خانه خودتان است برایش توضیح دهید که چرا دخترها با دخترها و چرا پسرها با پسرها باید بازی کنند. به شکل های مختلف این را برایش مفهوم سازی کنید و بازی ها را یاد بدهید که دانستنی های جنسیتی اش بالا برود. از این طریق به او خود مراقبتی را آرام آرام باید بیاموزید.

این دختر تنهاست و نیاز به بچه دیگری است تا بیاید با او سرش گرم باشد. ظاهراً خواهر و برادر دیگری ندارد. خواهر و برادر برایش بیاورید تا گرایش به پسر عمه کم شود. رفاقت بیشتری با فرزندتان داشته باشید، بازی های دونفره در همین سن داشته باشید. سطح دانایی فرزندتان را در خودمراقبتی های جنسیتی اش بالا ببرید؛ اینکه مامان جان تو یک خانم هستی، پسر عمه ات یک

پسر است و تو نباید با او مثل پسرها رفتار کنی. تو یک ملکه هستی. این اصطلاح ملکه یا شاهزاده خانم یکی از کلیدواژه‌هایی است که خیلی وقت‌ها می‌تواند مدیریت رفتارهای دختر بچه‌ها را به عهده بگیرد و بخشی از آن بار مسئولیت را بر عهده بگیرد.

حواسمان باشد که بچه‌هایمان خود ما هستند ولی ابعاد پنهانی را که ما به روی خودمان یا به روی دیگران نمی‌آوریم، بچه‌هایمان آنها را کاملاً آشکار می‌کنند. در حدیثی که منسوب به پیامبر است، حضرت می‌فرماید: «الْوَلَدُ سِرٌّ أَبِیْهِ»: بچه‌ها سرّ آشکار شده پدر و مادرشان هستند.

سؤال ششم: به دختر ۴ ساله چه موقع و چطور باید خبر بارداری مادر و برادر دار شدنش را بدهم؟ بهتر است از قبل او را درباره چه موضوعاتی آماده کنم؟ آیا نیاز است آگاهش کنم که بچه در شکم رشد می‌کند؟

پاسخ: نه نیاز ضروری نیست. بچه را خیلی کنجکاو نکنید. قطعاً بزرگ شدن شکم شما را خواهد دید. حالا امکان دارد در حالت عادی بگوید ماما شما چقدر زیاد غذا می‌خوری؟! دلت چقدر بزرگ شده؟!

محبوبیت فرزند دیگر را برایش ایجاد کنید. می‌گوییم: «آیا تو دوست داری که یک بچه دیگر هم باشد که تو تنها نباشی و با او بازی کنی؟ تو چقدر دوست داری که خدا یک بچه دیگر به ما بدهد بعد او بیاید و با تو بازی کند؟!» کاملاً به یک داستان و سناریو تبدیلیش کنید که بچه شما از جهت روحی و عاطفی خودآزمایی بشود که چقدر نسبت به آمدن یک بچه دیگر علاقه‌مند است یا چقدر آسیب‌پذیر است. هر اندازه آسیب‌پذیر باشد شما باید برای او محبوبیت ایجاد کنید؛ یعنی به او نشان دهید که داشتن یک برادر یا خواهر دیگر چقدر می‌تواند لذت‌بخش باشد. مثلاً از رابطه عاطفی خودتان با برادرهایتان و خاطرات خوبتان بگویید که «آره من کوچولو بودم خدا دایی جان را به ما داد. ما اینقدر باهم دوست بودیم، بازی می‌کردیم.» بچه شما باید آن حس نیاز، حس محبوبیت و مهم‌تر از آن، مقبولیت را پیدا کند.

من هنگام دیدن خانم‌های تازه زایمان کرده که بچهٔ قبلی دارند، با تمام علاقه‌ای که دارم اصلاً سراغ نوزاد نمی‌روم و سعی می‌کنم بچه‌های بزرگ‌تر را عمیقاً تحویل بگیرم و ببوسم. با یک نگاه تعجب‌آمیز پر از عشق این کلام را به آنها می‌گویم که شنیده ام شما خیلی بچه‌های خوبی بودید. بعضی از آنها با حالت شک و گاهی تعجب مواجه می‌شوند که قصه چیست؟! می‌گویم: «خدا چون دوست داشته که شما تنها نباشید و برایتان یک نی‌نی فرستاده! یک داداشی خوب، یک آبی خوب فرستاده؛ یعنی شما اینقدر کارهایتان خوب بوده! اینقدر مهربان بودید! اینقدر حرف‌های مادرتان را گوش می‌دادید.» تمام آن شاخص‌های شخصیتی را که ما می‌خواهیم در بچه‌ها احیا و تقویت کنیم، به‌عنوان امتیاز هویتی که موجب داشتن یک برادر یا خواهر دیگر شده، برای آنها بازگو می‌کنیم. یعنی حواستان باشد خدا این برادر یا خواهر را داده نه برای تنگ شدن جای شما؛ بلکه برای این که شما پشت و پناه داشته باشید.

دربارهٔ بارداری اگر بچه خودش حساسیت خاص نشان نمی‌دهد، لازم نیست خیلی توضیح بدهیم؛ ولی می‌توانیم کلیتش را بگوییم. می‌گوید که مامان این داداشی قرار است کی بیاید؟! می‌گویم: «یه روزی که خدا آن روز را خیلی دوست دارد و تو هم خیلی خوشحال می‌شوی.» سعی کنید توصیف کنید. مثل زمانی که بهار را توصیف می‌کنید، توصیفش کنید. اگر بگوید: «مامان این بچه کجاست؟ بگویید:

- این بچه را خدا در دل مامان گذاشته است.
- مامان از کجا گذاشته؟
- هر موقع پدر و مادرها با همدیگر خیلی خیلی خوب باشند و اخلاقشان خوب باشد و همدیگر را دوست داشته باشند؛ خدای مهربان به فرشته‌ها می‌گوید: فرشته‌های خوب! به این‌ها یک بچهٔ خوب بدهید. بعد خدا یه بچهٔ خوب را در دل مامانی می‌گذارد. عین یک دانه گندم که ما در گلدان می‌کاریم. (از گیاهان کمک بگیرید که چگونه پنهان است و بعد رشد می‌کند و سبزه‌اش آشکار می‌شود). حالا در دل مامانی است! مامانی هرچه غذا می‌خورد او هم در دل مامانی از راه دلش غذا می‌خورد. بعد خدا یک روزی که دیگر کامل

شد، اجازه می‌دهد که دیگر دینگ دینگ دینگ، نی نی باید به دنیا بیاید. آن وقت مامان باید به بیمارستان برود. تو باید دست‌های کوچولوی خوشگلت را بلند کنی که مامان و نی نی سالم بیایند. دل مامان را کوچولو باز می‌کنند، بعد از داخل شکم مامان نی نی را در می‌آورند. ولی تا به مدت مامان باید خیلی مراقبش باشد چون دلش درد گرفته است، این نی نی در دل مامان بوده، بزرگ شده است. حالا باید این دل کوچک بشود، یک کمی دلش خون آمده است درد گرفته است.

شما خیلی از این پروسه‌ها را می‌توانید توضیح دهید و خیلی‌ها را هم نه! ولی مهم است که با این نوع نگاه کودکانه با کلماتتان نقاشی کنید. انگار که شما در حقیقت یک تصویر از کتاب کودک را تصویرگری می‌کنید. به زبانی که بچه می‌فهمد و برایش خوشایند، دلپسند و قابل فهم است. سخت‌ترین و عجیب‌ترین مسائل جنسی را می‌توانید در صورت ضرورت برای بچه‌ها به زبان خودشان توضیح بدهید. حتماً برای مفهوم سازی از دنیای گیاهان، دنیای آبزیان و دنیای پرندگان کمک بگیرید و شبیه‌سازی‌های لازم را از این طریق بکنید.

سؤال هفتم: من دکترا دارم ولی از زمان تولد فرزندم در خانه هستم که بتوانم تربیت خوبی را داشته باشم؛ ولی هر از گاهی به این فکر می‌کنم که نکند من باید کارهای تدریس دانشگاهی یا پژوهش هم بکنم. از کجا بدانم وظیفه من چیست؟ آیا باید در کنار فرزندپروری کار بیرون هم مطابق با استعداد خودم انجام دهم؟

پاسخ: من به این مادر خوبمان و به همه مادران خوب تحصیلکرده تبریک می‌گویم که به ذائقه و فطرت مادری لیبیک گفتند و آن را به‌عنوان اصلی‌ترین کار و اصلی‌ترین شغل پذیرفتند. آنچه حضرت امام می‌فرمایند این است که مهم‌ترین کار یک خانم، تربیت انسان‌ها است و زن مربی جامعه است و تربیت بچه‌ها در دامن مادر، مهم‌ترین کاری است که یک خانم می‌تواند انجام دهد. اما اینکه فرمودید آیا باید کار بیرون انجام بدهم؟! نه ضروری نیست. اینکه مطابق با استعدادتان باشد؟! بله قطعاً عالی است. اینکه گفتید تدریس بکنم. فکر نکنید چون شما لزوماً مدرک دکترا

دارید باید همه بروند استاد دانشگاه بشوند. نه، قرار است که شما از آن علم و دانایی‌تان به شکل مناسب هم برای خودتان هم برای جامعه، سودمند باشید.

یکی از بهترین شیوه‌های شغلی و علمی برای خانم‌ها کارهای پژوهشی مناسب و متناسب با رشته تحصیلی‌شان است؛ زیرا خانم‌ها دقت زیادی دارند و جزئی‌نگر هستند و معمولاً در کارهای پژوهشی با دقت خیلی خوبی می‌توانند کار را به نتیجه برسانند. نیاز نیست نیروی اجرایی باشند. خیلی بیشتر می‌توانند نیروی علمی زمینه ساز یا علمی عمیق باشند. کار پژوهشی یک امتیاز فوق‌العاده دارد. شما می‌توانید از وقت‌های مرده خودتان استفاده کنید. زیرا یک مادر نیاز دارد که وقتش را فوق‌العاده مدیریت کند؛ یعنی وقت زنده روز که هر کارمندی، هر مدرسی، هر معلمی باید در جامعه و بیرون از خانه باشد، شما امکان دارد مجبور باشید فرزندتان را تنها بگذارید یا به این و آن بسپارید. پرستار بگیرید. مهدکودک بگذارید. مامانم اینا یا مامانش اینا! به جای همه این غلط دیکته‌ها شما وارد فضای پژوهشی می‌شوید که خودتان انتخاب می‌کنید تا چه ساعتی کار پژوهشی بکنید، چه به صورت آنلاین و چه آفلاین. استفاده از فضای مجازی بخش عمده‌ای از ۲۴ ساعت امکان پذیر است. آن بخش هایش که امکان دارد شما بعضی از مراکز را باید حضوری بروید. لازم نیست حتماً در یک روز خاص باشد چون شما کارمند نیستید که بخواهید کارت بزنید و قابلیت این را دارد که متناسب با زندگی شما منعطف باشد.

هر اندازه شما بتوانید مشاغل دوستدار خانواده داشته باشید، آدم موفق‌تری خواهید بود. هم در رشد علمی خودتان هم در اثرگذاری در جامعه و هم در مهم‌ترین شغل‌تان که تربیت فرزند است. خانم‌های عشایر، روستایی و در شهرستان‌ها عموماً مشاغل مختلفی را کنار فرزندآوری و فرزندپروری دارند؛ ولی هیچ وقت از شغل اصلی‌شان که مادری کردن است، جدا نمی‌شوند و همیشه بقیه مشاغلشان را سعی می‌کنند با مادری تطبیق بدهند؛ یعنی سبک آن‌ها را کم و زیاد می‌کنند. در صورتی که شما اگر استاد یک دانشگاه باشید یا بخواهید مثلاً کارهای مختلف علمی و اجرایی انجام دهید، مجبورید تحت نفوذ ریاستان باشید. او هم قرار نیست لزوماً به بچه و خانواده شما فکر کند. قرار است به کار و سودش فکر کند. تحت نظر او هستید و قطعاً لطماتی که شما و

فرزندتان و همسرتان می‌خورد گاهی اوقات خیلی جدی و گاهی اوقات غیرقابل جبران خواهد بود. از این جهت اگر یک خانم روستایی و شهرستانی گلیم می‌بافد یا امکان دارد پته بدوزد یا انواع دوخت‌های سنتی را داشته باشد. یا خانمی که در شهرهای مختلف است امکان دارد که انواع دست بافت‌ها از قالی و قالیچه گرفته تا چیزهای مختلف دیگر انجام بدهد، همه این‌ها از وقت مرده یک زن صحبت می‌کند. یک زن به حسب ضرورت‌ها از زمان‌هایی که از کارهای اصلی خانه و خانواده فارغ شده است، وقتش را برای انجام این کارها می‌گذارد.

خانم‌هایی که می‌خواهید یک زندگی خوب و سالم داشته باشید، هر اندازه می‌توانید خودتان کارفرمای خودتان باشید؛ یعنی کارآفرین باشید و شما باشید که کارتان را تعریف می‌کنید. تولیدکننده علم، هنر یا انواع چیزهای مختلف باشید. شما تصمیم‌گیر باشید نه اینکه دیگران زندگی و روابط شما را کاملاً تحت شعاع قرار بدهند.

اساتید خانمی سراغ دارم که از حق التدریس به پیمانی تبدیل می‌شوند. از پیمانی به رسمی و سال‌های قابل توجهی دور از همسر در یک شهر دیگر تدریس می‌کنند. گاهی بچه‌ها پیش خانم هستند، گاهی پیش آقا هستند. گاهی اصلاً بچه‌دار نمی‌شوند. گاهی این قدر دیر اقدام می‌کنند که باید کل آن هزینه‌هایی که این چندسال بابت حقوق حق التدریس دریافت کرده‌اند را در درمان ناباروری استفاده بکنند. این‌ها فاجعه‌های امروز زندگی زنان تحصیلکرده‌ای است که اولویت اولشان دیگر مادری نبوده است و بعد از سال‌ها تازه فهمیده‌اند که زنبیلشان را یک جا جا گذاشته‌اند.

با اولویت مادری کنید: این خود مراقبتی را داشته باشید که قرار است زنانگی خودمان را به کمال برسانیم و کمال زن بودن به مادر بودن است و مادر بودن تمام عیار، مادری است که اولویت اولش بعد از همسر، فرزندش است و گاهی اولویت فرزند با توافقات ناب با همسر، قبل از همسر است و قرار نیست اولویت‌های دیگر جای تربیت بچه‌ها و امنیت بچه‌ها را بگیرد.